

قرآن معجزه پیامبر (ص)

قربانعلی فصیحی (غزنوی) *

انتخاب این محور، از جهاتی دارای اهمیت و قابل بررسی و کتکاش می باشد. نخست این که قرآن کریم جاودانه ترین معجزه ی پیامبر اکرم (ص)، سندی زنده و پایدار بر رسالت الهی آن حضرت (ص) است از این روی، دقت و تعمق بر اعجاز بودن آن، نقش اساسی در شناخت مقام و جایگاه والای پیامبر اعظم (ص) دارد.

دوم این که، قرآن نه تنها کتابی خواندنی است، بلکه خواندنی و عمل کردنی است. آگاهی از ابعاد گوناگون و زوایای مختلف این صحیفه الهی، عشق و علاقه بیشتری را در جهت خواندن و به کار بستن آن، در پیروان و مؤمنان ایجاد خواهد نمود.

سوم این که، این کتاب بی مانند خداوند، از همان روزهای آغازین فرو آمدن، به همان میزانی که هدایتگر و راه گشا برای پیامبر اعظم (ص) و مسلمانان پیرو او بوده است، به همان پیمانه مایه ی خشم و انزجار دشمنان دین بوده و همواره آن را مورد تهاجم همه جانبه قرار می داده اند که در هر زمان، خداوند خود، حافظ و نگهبان آن بوده است.

«بریدون ان یطفنوا نور الله بأفواههم ویأبی الله إلا ان یتم نوره ولو کره الکافرون»^۱

(آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران ناخشنود باشند.)

مرحوم طبرسی در ذیل همین آیه می نویسد: «بیشتر مفسران گفته اند منظور از نور خدا، قرآن و اسلام است.»^۲

قرآن کریم در آیه دیگر تصریح دارد به این که پاسدار اصلی و واقعی این کتاب آسمانی شخص پروردگار است.

«إنا نحن نزلنا الذکر و إنا له لحافظون»^۳

(ما قرآن را فرو فرستادیم و ما بطور قطع نگهدار آنیم.)

* محقق و پژوهشگر جامعه الرضا (علیه السلام)

از این روی بایسته است که، این کتاب بی بدیل الهی و میراث گرانسنگ پیامبر اعظم (ص) از ابعاد مختلف و زوایای گوناگون مورد تحقیق و تدقیق قرار گیرد، که «اعجاز» قطره ای از این دریای بیکران به حساب می آید که در جای خود، اقیانوسی بی کرانه است.

۱- قرآن، اقیانوس بی کرانه

بدون تردید سخن گفتن و یا قلم زدن درباره «اعجاز قرآن» در حقیقت فرو رفتن در اقیانوس بی کرانه ای است که گستره های بی نهایت دیگری فرا روی انسان قرار داده و از پیمایش کامل آن ناتوان می سازد، حق هم همین است، زیرا که «اعجاز قرآن» پدیده ای مستمر است، که همگام با زمان در حرکت است، و از سویی افق دید انسان محدود است و نمی تواند به صورت کامل و همه جانبه به تمامی زوایای آن نظر اندازد. با آن که اندیشمندان مسلمان و قرآن پژوهان بی شماری در این میدان قدم نهاده اند و مسافت های بسیار زیادی را پیموده اند، در عین حال، وارد شدن به این دریای بیکران- اعجاز قرآن- و قلم زدن درباره آن بی فایده نخواهد بود، زیرا که هر چه آگاهی و شناخت انسان نسبت به این معجزه همیشه زنده ی پیامبر خاتم (ص) بیشتر و بیشتر گردد، به همان اندازه در جان و دل انسان بیشتر نفوذ خواهد نمود. به گفته علامه اقبال لاهوری

فاش گویم آنچه در دل مضمَر است این کتابی نیست، چیزی دیگر است
چونکه در جان رفت، جان دیگر شود جان چو دیگر شد جهان دیگر شود

۲- مفهوم اعجاز

اعجاز در لغت به چند معنی آمده است:

الف- فوت و از دست رفتن چیزی، مثلاً گفته می شود «اعجزه الامر الفلانی» یعنی فلان چیز از دست وی در رفت.

ب- احساس عجز و ناتوانی در دیگری، مثلاً می گویند «اعجزت زیداً» او را عاجز و ناتوان یافتم.

ج- ایجاد عجز و ناتوانی و درماندگی در طرف مقابل، که در این بمعنی تعجیز می باشد.

در قاموس قرآن آمده است: «عجز (بروزن فلس) ناتوانی. عَجَزَ عَنْ عَجْزاً: ضعف عنه ای لم يقدر

عليه...» در مفردات آمده است: «عجز انسان قسمت مؤخر اوست، مؤخر غیر انسان نیز به آن تشبیه

شده... و اصل عجز تأخر از شی و حصول در آخر آن است در تعریف اسم شده به قصور از چیزی و آن ضد قدرت است»^۴

«تنزع الناس كأنهم أعجاز نخل منقعر»^۵

مردم (قوم عاد) را همچون تنه های نخل ریشه کن شده از جا بر می کند. اعجاز در این سوره و سوره حاقه آیه هفت، به کسر الف است و به معنی ریشه ها آمده است اما در اصطلاح دانشمندان علم کلام، اعجاز آن است که کسی که مقامی را از سوی خداوند ادعا می کند، برای صدق و راستی در گفتارش، عملی را انجام دهد که قوانین طبیعت را بشکند به قسمی که دیگران از انجام آن عاجز و ناتوان باشند، چنین کار خارق العاده ای را «معجزه» و انجام دادن آن را اعجاز می نامند.

آیت الله خوئی، در تعریف اعجاز می نویسد: «اعجاز کاری است، که پیامبران برگزیده الهی، که مدعی منصب نبوت از جانب خداوند اند، ارائه می نمایند، به طوری که خرق نوامیس طبیعی نموده، دیگران از آوردن مانند آن ناتوان باشند و آن چیز که معجزه نامیده می شود، خود شاهدی بر صدق ادعای آنان است.»^۶

بنابراین «اعجاز» در لغت به معنی عاجز و ناتوان ساختن است و در اصطلاح دینی، عبارت از عمل و کاری است که انبیای الهی برای اثبات نبوت شان انجام می داده اند، کاری که دیگران از آوردن همانند آن عاجز و ناتوان بوده اند.

نکته ای قابل یاد

نکته ای قابل توجه این است که در تمام سوره قرآن کریم واژه «اعجاز» (به کسر الف) دیده نمی شود، و مشتقات دیگر آن همانند: معجزین و عجزت و... هرگز به این معنی به کار برده نشده است، بلکه همواره از «اعجاز» انبیاء عظام، به لفظ «آیه» که به معنی علامت و نشانه است یاد شده است، همانگونه که دیگر اشیاء و پدیده ها مخلوق و نشانه ی قدرت خداوند می باشند، اعجاز انبیاء هم تنها در توان و قدرت پروردگار خواهد بود. و این مطلب را در دو سوره از قرآن کریم بیان نموده است:

«ولقد أرسلنا رسلا من قبلك وجعلنا لهم أزواجاً وذريةً وما كان لرسول أن يأتي بآية إلا بإذن الله الملك

أجل كتاب»^۷

(و قطعاً پیش از تو رسولانی فرستادیم، و برای آنان زنان و فرزندان قرار دادم، و هیچ پیامبری را نرسد که جز به امر خدا معجزه ای بیاورد. و برای هر زمانی کتابی است.)

۳- پیشینهٔ اعجاز

گرچه که پیشینهٔ اعجاز قرآن کریم، به زمان نزول این کتاب آسمانی بر می گردد، از همان روزهای نخستین که آوای دلنواز کلام الهی طنین انداز شد، مشرکان و معاندان، برای سرکوبی نهضت عظیم اسلامی و جلوگیری از گسترش آن، با قرآن به مقابله پرداختند و آن را سحر و جادو قلمداد کردند.

اما تدوین بحث «اعجاز قرآن» به صورت کتاب و علمی از علوم قرآنی، به قرن سوم هجری بر می گردد. در این باره نوشته اند: «اعجاز» تا سالهای پایانی قرن سوم هجری معمول نبوده است. اولین کسی که اثری به این عنوان سامان داده است، محمد بن یزید واسطی (م ۳۰۶) یا (۳۰۹) است^۸ در کتاب اعجاز القرآن باقلانی، درباره واسطی، چنین آمده است:

«و اول کتاب علمناه، یشتمل عنوانه علی کلمة الاعجاز هو کتاب: "اعجاز القرآن فی نظمہ و تالیفہ"

لابی عبد الله: محمد بن یزید الواسطی، المعتزلی، المتوفی سنه ۳۰۶ هـ»^۹

این ندیم و حاج خلیفه، نام پدر وی را زید نوشته اند: «اعجاز القرآن - لابی عبدالله محمد بن زید الواسطی المتوفی سنه ۳۰۶ و ثلاثمائة و شرحه الشیخ عبد القاهر بن عبدالله الجرجانی المتوفی سنه اربع و سبعین و اربعمائه شرحین کبیرا و سماه المعتضد»^{۱۰}

و جناب آقای ابراهیم جناتی، ضمن این که نام پدر واسطی را زید نگاشته، وی را از علما و دانشمندان قرن چهارم معرفی کرده است.^{۱۱}

به منظور آگاهی بیشتر از روند توجه و تلاش دانشمندان اسلامی به اعجاز قرآن کریم، برخی از کتابهایی را که از آغاز تا کنون نوشته اند، و در منابع معتبر از آنها یاد کرده اند، به صورت فهرست وار ذکر می نمایم:

۱ - محمد بن زید الواسطی (م ۳۰۷/۶) اعجاز القرآن فی نظمہ و تالیفہ، که عبدالقادر جرجانی دو شرح بر آن نوشته است.

۲- علی بن عیسی رمانی معروف به اخشیدی (م ۳۸۶) کتاب اعجاز القرآن.

۳- حمد بن محمد خطابی (م ۳۸۸) کتاب او بنام اعجاز القرآن معروف بوده است.

۴- ابوبکر محمد بن الطیب الباقلانی (م ۴۰۳) اعجاز القرآن.

٥- قاضي عبدالجبار معتزلي (٤١٥م) اعجاز القرآن.
٦- عبدالقاهر بن عبدالرحمن، معروف به جرجاني (٤٧١/٢/٤) اعجاز القرآن الصغير.
٧- علي بن حسين موسوي، معروف به سيد مرتضى علم الهدى (٤٣٦م) كتاب او به نام الصرفه في اعجاز القرآن معروف بود.

٨- سعيد بن محمد (٤٤٠م) اعجاز القرآن.
٩- شيخ مفيد (٤١٣م) الكلام في وجوه اعجاز القرآن.
١٠- عبدالملك بن محمد، معروف به ثعالبى نيشابورى (٤٢٩م) الاعجاز والايجاز.
١١- محمد بن ابى القاسم، معروف به زين المشايخ (٥٧٦/٥٦٢م) التنبيه على اعجاز القرآن.
١٢- علي بن زيد بيهقي خراسانى، معروف به ابن فندق (٥٦٥م) كتاب اعجاز القرآن.
١٣- محمد جمال افندى، روايع الاعجاز.
١٤- عبدالواحد انصارى (٦٥١م) التبيان في علم البيان المطلع على اعجاز القرآن.
١٥- عبدالعظيم بن عبدالواحد (٦٥٤م) البرهان في اعجاز القرآن.
١٦- محمد بن احمد سراقه (٦٦٢م) اعجاز القرآن.
١٧- ابراهيم بن احمد انصارى (٧٠٩م) ايجاز البرهان في اعجاز القرآن.
١٨- علي بن احمد هندى (٨٣٥م) تبصير الرحمن و تيسير المنان به بعض ما يشير الى اعجاز

القرآن.

١٩- عبدالرحمن بن ابوبكر (٩١١م) معترك الاقران في اعجاز القرآن.
٢٠- محمد تقى بن محمد قاسم اردوبادى (١٣٣٣م) كتاب الشهاب المبين في اعجاز القرآن و

اصول الدين.

٢١- احمد فوزى ساعاتى (١٣٤٨م) البرهان في اعجاز القرآن.
٢٢- مصطفى رافعى (١٣٧٣م) كتاب اعجاز القرآن.^{١٣}
٢٣- سيد محمد مهدي علوى (١٣٢٦ - ١٣٥٠) محكم القرآن في اعجاز القرآن.
٢٤- شيخ محسن بن حسين بن احمد نيشابورى خزاعى، كتاب اعجاز القرآن.
٢٥- ابو عمر محمد بن عمر بن سعيد الباهلى البصرى، كتاب اعجاز القرآن.
٢٦- احمد بن يحيى بن ابى منصور منجم (٣٠٦م) كتاب اعجاز القرآن في نظمه وتأليفه.
٢٧- شيخ ابى منصور عبدالملك بن محمد ثعالبى (٤٣٠م) اعجاز الايجاز.
٢٨- شيخ علامه صدر الدين محمد بن اسحاق قونوى (٦٧٢م) اعجاز البيان في كشف بعض

اسرار القرآن.

- ۲۹- کمال الدین محمد بن علی بن زملکانی شافعی (م ۷۲۷) البرهان فی اعجاز القرآن.
 ۳۰- محمد بن ابی القاسم یقالی خوارزمی حنفی (م ۵۶۲) التنبیه علی اعجاز القرآن.

۴- قرآن معجزه متفاوت

بدون تردید، قرآن کریم به عنوان معجزه پیامبر اکرم (ص) با تمامی معجزات دیگر پیامبران الهی، چون موسی (ع) و عیسی (ع)، و حتی دیگر معجزه های شخص پیامبر اعظم (ص) همانند: شق القمر، اطعام گروهی بسیار با غذای اندک در منزل جابر و منزل ابو طلحه و در روز جنگ خندق، جوشیدن آب از میان انگشتان مبارک آن حضرت (ص)، ریختن آب وضوی آن حضرت (ص) در چشمه خشک شده تبوک و جوشیدن آب از آن، پاشیدن مستی خاک بسوی مشرکان در جنگ بدر و شکست دشمنان، که در آیه ۱۷ سوره مبارکه انفال از آن یاد شده است. ضجه و ناله نمودن ستون مسجد النبی، که رسول گرامی اسلام (ص) به آن تکیه داده و خطبه می خواند، بعد از ساختن منبر برای آن حضرت (ص). و دهها معجزه دیگر که مورخان بیش از هزار معجزه از این گونه معجزه ها را برای آن حضرت (ص) بر شمرده اند. برخی همانند واقدی، شخص امام علی (ع) را معجزه پیامبر اکرم (ص) می دانند «ان علیا علیه السلام کان من معجزات النبی صلی الله علیه وآله کالعصا لموسی علیه السلام واحیاء الموتی لعیسی بن مریم علیه السلام»^{۱۳}

علی (ع) از معجزات پیامبر (ص) بود مانند معجزه عصا برای موسی (ع) و زنده کردن مردگان برای عیسی (ع).

با همه آنچه گفته شد، قرآن معجزه ی متفاوت با دیگر معجزه ها است، که به برخی از این تفاوتها و ویژگیها اشاره می نمایم:

۴-۱- قرآن، معجزه ی دیدنی، خواندنی و شنیدنی

تمامی معجزات پیامبران پیشین، از نوع دیدنی، مادی و محسوس بوده است، همانند، ناقه صالح (ع)، عصای موسی (ع) و زنده نمودن مردگان توسط حضرت عیسی (ع)، که این صحنه های اعجاز آمیز پیامبران الهی را تنها عده ای می دیدند، اما قرآن کریم، به عنوان معجزه پیامبر اسلام (ص) اعجازی است دیدنی، خواندنی و شنیدنی. قرآن کتاب اعجاز آمیزی است که هم قابل دیدن برای همگان است و هم خواندنی و قرائت کردنی است و نخستین بار، با جمله «اقرأ» آغاز به نزول کرده است. و هم شنیدنی است، که آوای دلنواز آن هر شنونده ای را مسحور خود می سازد.

۴-۲- قرآن، معجزه فرا زمانی و مکانی

معجزات انبیای گذشته، محدود و محصور در زمان و مکان خاص بوده است و تعداد اندکی از مردمان با دیدن به آن پیامبر آورندهٔ اعجاز، ایمان می آوردند، اما قرآن کریم معجزه ای است که مرزهای زمان و مکان را در نور دیده، برای همهٔ زمانها و مکانها و برای همهٔ نسلها و در تمام عصرها، معجزه است، و از این روی قرآن کریم معجزهٔ فرا زمانی و فرا مکانی است.

۴-۳- قرآن، معجزه متناسب با همه زمانها

معجزات انبیای سلف، تنها و تنها متناسب با زمان خود بوده است، زمانی که سحر و جادو رواج داشته است، حضرت موسی(ع) با معجزات متناسب با آن زمان، ید بیضا و عصایی که ازدها می شود، اعجاز خود را به مردمان نمایان می سازد، و در زمان حضرت عیسی(ع) که طب، طبابت و علم پزشکی شایع بوده است، اعجاز خود را با شفای مریضان و حتی زنده کردن مردگان، به نمایش می گذارد. اما قرآن کریم، معجزه ای است که هم متناسب با زمان نزول خود می باشد، که در آن دوران، شعر و شاعری، آوردن فنون ادبی، فصاحت و بلاغت حرف اول را می زده است، قرآن کریم، با کلمات ادیبانهٔ بی بدیل و فصاحت و بلاغت بی نظیر، به صحنه می آید. و البته، از آن روز تا به امروز و از امروز تا فردا و فرداهای دیگر متناسب است.

۴-۴- قرآن، معجزه پایدار

معجزات پیامبران دیگر، مستند و همراه با خود آنان بوده است، ید بیضا و عصای موسی(ع) با رفتن آن حضرت (ع)، از بین رفته است، و نیز شفای مریضان صعب العلاج و زنده ساختن مردگان، با رفتن حضرت عیسی(ع) پایان یافته است، در حالی که قرآن کریم از این ویژگی برخوردار است که لزومی به همراهی آورنده اش با خود ندارد و خود گویای حقانیت و معجزه بودن خویش است.

۴-۵- قرآن معجزه قابل درک برای همه

معجزات پیامبران دیگر، علاوه بر این که خارق العاده و از توان دیگران خارج بوده است، برای بسیاری از مردم، قابل درک و فهم نبوده است. اما قرآن کریم همچون سفرهٔ گسترده ای دارای انواع خوراکی هاست که خوراک هر کسی، به قدر فهم او در آن مهیاست. قرآن، تنها کتاب علما و فقها و فلاسفه و دانشمندان نیست، بلکه کتاب مردم است، و مخاطب آن تمامی انسانهاست. قرآن به زبان عربی است، اما اختصاص به عرب زبانها ندارد.

۴-۶- قرآن، معجزه هدایتگر

معجزات پیامبران دیگر، تنها برای اثبات حقانیت ادعای پیامبری آنان بوده است و هیچ گونه جنبه هدایتگری دیگری نداشته است، اما قرآن کریم، علاوه بر این که سندی زنده بر حقانیت رسالت پیامبر اعظم(ص) می باشد، جنبه هدایتگری و تربیتی آن نیز دارای اهمیت و قابل توجه است، این کتاب آسمانی، با روح و روان انسانها سر و کار دارد، افکار انسانها را با بهترین و عالی ترین اندیشه های الهی تغذیه می نماید و به حق می توان قرآن کریم را کتاب هدایتگر و فرهنگ آفرین به حساب آورد.

۵- موارد اعجاز قرآن

در این که قرآن کریم، معجزه جاودانه ی پیامبر اسلام(ص) و دلیل بر حقانیت رسالت جهانی آن حضرت(ص) از سوی خداوند می باشد، در میان علما و دانشمندان اسلامی اتفاق نظر وجود دارد. قطب الدین راوندی در این باره می گوید: «اعلم أن المسلمین اتفقوا علی ثبوت دلالة القرآن علی النبوة وصدق الدعوه»^{۱۴}

(مسلمانان اتفاق نظر دارند به این که قرآن دلیل بر نبوت پیامبر(ص) و راست بودن دعوت آن حضرت است.)

اما در ارتباط با نحوه و کیفیت اعجاز قرآن کریم، در بین دانشمندان اسلامی دیدگاههای متفاوتی وجود دارد و هر کدام از زاویه ای و بر اساس تخصص علمی شان در این باره ابراز نظر نموده اند. که بیش از هفت دیدگاه در این زمینه وجود دارد:

۵-۱- اعجاز به صرفه، دیدگاه نظام، معتزلی و سید مرتضی علم الهدی.

۵-۲- قرآن در مرتبه بالاتر از فصاحت و بلاغت است، زیرا فصاحت محدود و محصور است، ما زاد بر آن معجزه و خرق عادت خواهد بود، دیدگاه شیخ مفید.

۵-۳- این که معانی قرآن صحیح و با عقل موافقت دارد.

۵-۴- از این جهت که در قرآن اختلاف و تناقض وجود ندارد.

۵-۵- این که در قرآن اخبار غیبی وجود دارد.

۵-۶- از این لحاظ که قرآن دارای نظم ویژه می باشد.

۵-۷- به هم پیوستگی و نظم قرآن، دلیل بر اعجاز آن است.

دیدگاههای دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، از قبیل این که از آن جهت که قرآن کتاب قدیم است و یا مطالب قدیمی در آن موجود است، معجزه می باشد و...
از باب نمونه به چند دیدگاه که از یک زاویه به اعجاز قرآن نگریسته و دیگر جهات را نفی می کنند اشاره می نمایم.

شاطبی می گوید: «بسیاری از مردم گمان کرده اند که همه علوم، از جمله طبیعیات، ریاضیات، منطق و علم حروف، از قرآن استخراج می شود، و این صحیح نیست، صحابه و تابعین اعرف بودند و نشنیدیم کسی از ایشان درباره علمی جز احکام تکالیف و احکام آخرت و معارف توحیدی به عنوان این که از قرآن است سخن گوید. به همین جهت بحث در کشفیات علمی و انطباق آنها با قرآن از مورد مسایل قرآن و اعجاز آن خارج است.»^{۱۵}

۶- دیدگاه صرفه

«... وذهب السيد المرتضى منا وجماعة من العامة منهم النظام إلى الصرفة على معنى أن العرب كانت

قادرة على كلام مثل القرآن قبل البعثة لكن الله صرفهم عن معارضته واختلفوا في كيفية.»^{۱۶}

«صرفه» در لغت، یعنی منصرف کردن و برگردانیدن و در بحث اعجاز قرآن، یکی از وجوهی است که برخی از دانشمندان در وجه اعجاز بدان معتقد شده اند. نظام معتزلی نخستین عالمی است که رأی به صرفه را اظهار داشته است. در میان علمای شیعه امامیه نیز این قول عمدتاً به سید مرتضی منسوب است، که در اثبات اعجاز قرآن از طریق صرفه پافشاری کرده است. قائلان به صرفه معتقدند: قرآن کریم با فصاحت و بلاغت بالایی که دارد در حد اعجاز نیست و فصحا و بلغا قدرت آوردن نظیر آن را دارند، لکن خداوند سبحان با ایجاد مانع اراده را از آنان سلب نموده است و یا معلومات و تخصصهایی را که داشتند از آنان گرفته است.

علامه مجلسی در رد دیدگاه «صرفه» می گوید:

«بدان که شأن اعجاز درک نمی شود و وصف آن ممکن نیست. و هر کس اعجاز قرآن را چنین توصیف کند که خداوند بشر را از معارضه با آن باز داشته یا به آن که اسلوب قرآن مخالف اسالیب کلام است یا از آن است که مبری از تناقض است یا مشتمل بر اخبار به غیب است یا امثال این آراء، هر آینه، پسر خواهر خاله او (خودش) دروغ گفته است.»^{۱۷}

در هر صورت، قرآن کریم در تمامی ابعاد خود، معجزه و دلیل بر حقانیت پیامبر اعظم اسلام(ص) است، این که روی یک بعد از ابعاد اعجازی آن تکیه گردد، و جهات دیگر نفی و رد گردد، نادرست به نظر می رسد.

مرحوم علامه طباطبایی موارد اعجاز قرآن کریم را در تمامی ابعاد و برای همه ی اصناف ذکر می کند: «فالقرآن آیه للبلیغ فی بلاغته وفصاحته، وللحکیم فی حکمته، وللعالم فی علمه وللاجتماعی فی اجتماعه، وللمقنن فی تقنینهم وللسیاسین فی سیاستهم، وللحکام فی حکومتهم، ولجميع العالمین فیما لا ینالونه جمیعا کالغیب والاختلاف فی الحکم والعلم والبیان»^{۱۸}

قرآن کریم برای اهل ادب، بلاغت در کلام و برای فیلسوف در فلسفه و الهیات و برای دانشمند در علم مربوطه اش و برای جامعه شناس در علم الاجتماع و برای قانونگذار در وضع قوانین و برای سیاستمدار در فن سیاست و برای حکومتها در مورد حکومتداری و بالاخره برای همه جهانیان در همه شؤون زندگی، اعجاز بزرگ و بهت آور است.

۷- مبارزه طلبی قرآن(همانند آوری)

قرآن کریم، در چندین آیه، همه را به مبارزه طلبیده و با قاطعیت بیان می دارد که تمامی جن و انس توان مقابله و همانند آوری را ندارند. این آیات به ترتیب نزول از این قرار است:

«قل لئن اجتمعت الانس والجن علی آن یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله ولو کان بعضهم لبعض

طهیرا»^{۱۹}

(بگو: اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هرچند برخی از آنها پشتیبان برخی(دیگر) باشند.)

«أم یقولون افتراه قل فأتوا بسورة مثله وادعوا من استطعتم من دون الله إن كنتم صادقین»^{۲۰}

(آیا آنها می گویند: او قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده است؟ بگو: اگر راست می گویند، سوره ای مانند آن را بیاورید و هر که را جز خدا به یاری طلبید.)

«أم یقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتريات وادعوا من استطعتم من دون الله إن كنتم صادقین»^{۲۱}

(یا می گویند : این قرآن را به دروغ ساخته است. بگو: اگر در ادعای خود راست می گویند ده سوره برساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می توانید فراخوانید.)

«أَمْ يَقُولُونَ تَقُولُهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ * فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ»^{۲۲}
(یا می گویند: «قرآن را به خدا افترا بسته» ولی آنان ایمان ندارند. اگر راست می گویند، همانند
آن را بیاورند.)

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»^{۲۳}
و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کردیم شک دارید، پس اگر راست می گویند سوره ای مانند
آن بیاورید و گواهان خود را از غیر خدا فراخوانید. پس اگر نکردید و هرگز نمی توانید کرد، از آتشی
که سوختش مردمان و سنگ ها هستند و برای کافران آماده شده پرهیزید.

نکته های قابل استفاده از آیات تحدی

به نکات عمده ی آنچه از این آیات استفاده می شود، اشاره می نمایم:

- ۱- این مبارزه طلبی و همانند خواهی، نه تنها فراتر از عربهای زمان نزول قرآن می باشد، بلکه فراتر از انسان، همه جن و انس را به مقابله و دعوت به تحدی می کند.
- ۲- اعجاز قرآن اختصاص به یک بعد از ابعاد آن ندارد، بلکه در تمام ابعاد معجزه است. نه تنها قرآن کریم از لحاظ «فصاحت و بلاغت» معجزه است که از نظر، علمی، هنری، آهنگ و موسیقی، حروف و اعداد، غیب گویی و... اعجاز آمیز است.

علامه طباطبایی در این باره می نویسد:

«قرآن مدعی اعجاز از تمام جهات است، زیرا تحدی آن عمومیت دارد و تمام افراد جن و بشر اعم از دانا و نادان، مرد و زن، ماهران در کار خود و افراد عادی، اگر درک صحیحی داشته باشند به خوبی می توانند اعجاز آنرا دریابند، زیرا انسان مطابق فطرت، فضیلت را درک می کند و درجات آن را می فهمد.»^{۲۴}

به همین دلیل است که هر دانشمند قرآن پژوه و هرعالم متخصص به علوم قرآنی، بر اساس آگاهی و تخصص خود، اعجاز قرآن کریم را مورد بحث قرار داده است. که در این نوشتار به برخی از این موارد اشاره می نمایم.

۸- اعجاز بیانی قرآن

همانگونه که قبلاً اشاره شد، قرآن کریم متناسب با شرایط زمانی، که در آن زمان ویژگی مهم عرب ها، فصاحت و بلاغت بوده است، مردم را دعوت به همانند آوری می نماید، و این می رساند که از ابعاد مهم و اساسی اعجاز قرآن، تحدی و همانند خواهی، همان فصاحت و بلاغت است. جالب توجه است که بهترین و نام آور ترین ادیبان قریش، در برابر فصاحت و بلاغت قرآن سر تعظیم فرود آورده اند. ولید بن مغیره مخزومی درباره قرآن چنین می گوید: «به خدا سوگند، از محمد (ص) سخنی شنیدم که نه به گفتار انسان ها شباهت دارد و نه سخن جنیان، گفتار او حلاوت خاصی دارد و بس زیباست، بالای آن (نظیر درختان) پر ثمر و پایین آن (همانند ریشه های درختان کهن) پر مایه است. گفتاری است که بر همه چیز پیروز می شود و چیزی بر آن پیروز نخواهد شد.»^{۲۵}

ابوعبیده گوید: مردی اعرابی آیه «فاصدع بما تؤمر وأعرض عن المشركين»^{۲۶} را از شخصی شنید و به سجده افتاد و گفت: به خاطر فصاحتش سجده نمودم، زیرا تأثیرگذاری «اصدع» در معنای اظهار دعوت، افشای دعوت و شجاعت در دعوت و زیبایی «ما تؤمر» در ایجاز و در عین حال جامعیت آن است.^{۲۷}

بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی، اعجاز قرآن کریم را از ناحیه ی بلاغت آن بیان داشته اند. ابوالحسن علی بن عیسی الرمانی (م ۳۸۶هـ) اعجاز قرآن را در تناسب و هماهنگی و تلاوت الفاظ دانسته است. رمانی اعجاز قرآن را از راه بلاغت آن ثابت کرده و برای بلاغت هم سه مرحله قائل است و عالی ترین مرحله آن را درجه بلاغت قرآن می داند.

خطابی (م ۳۸۸هـ) در رساله بیان اعجاز القرآن وجوه مختلف اعجاز قرآن را باز گفته و سرانجام عقیده اکثریت را پذیرفته که گفته اند: اعجاز قرآن در بلاغت آن است، آن هم بلاغت فائده ای که تبیین و تشریح آن برای ما کاملاً میسر نیست، زیرا نظیره گویی بدان ناممکن است، چون آیات قرآنی هم از لحاظ الفاظ استوار است و محکم، و هم از جهت معنا، در بر دارنده مفاهیم عالی است.^{۲۸}

مرحوم شیخ طوسی درباره اعجاز قرآن می فرماید: «والقرآن عبارة عن هذا الكلام الذي هو في أعلى طبقات البلاغة»^{۲۹}

(قرآن کلامی است که در مرتبه ی بالایی از بلاغت قرار دارد.)

مرحوم علامه طباطبایی، در این باره می نویسد: تاریخ به خوبی نشان می دهد که اعراب اصیل و خالص آن زمان از نظر سخن سرایی و نکته سنجی و ریزه کاریهای ادبی، بجایی

رسیده بودند که بی سابقه بود، بطوری که نسلهای بعد هم نتوانستند قدم در جای قدم آنها بگذارند و می توان گفت آنها در قدرت رعایت تناسب مقام و رسا بودن عبارات و استحکام جمله بندیها و شیرینی تعبیرات، به آخرین درجات کمال رسیده بودند. قرآن هم به آنچه ممکن بود تعقیب، و غرور مخصوص آنها را تحریک کند و به مبارزه و مقابله وا دارد دست زد، مدت زیادی هم طول کشید ولی پاسخی جز اظهار عجز و ناتوانی نداشتند، لذا میدان را خالی کرده، پا به فرار گذاردند.^{۳۰}

۹- آهنگ قرآن

آهنگ دنواز قرآن کریم و موسیقی روح بخش در تلاوت آن، از دیگر ابعاد اعجاز بیانی است، که برخی از دانشمندان روی آن تکیه نموده و آن را از اعجاز قرآن می دانند، آیت الله محمد هادی معرفت، در مقاله ای تحت عنوان (نقش آهنگ در تلاوت قرآن) چنین بیان می دارد:

«فروزان ترین بعد اعجاز (بیانی) قرآن، همسازی با نغمه های دلنشین، و آهنگهای وزین صوتی است، آنگاه که با صدای گرم و زیبا، و آوای نرم و فریبا، دمساز گردد، آتشی بر خرمن دلها افکند که شعله های تابناکش جهانیان را به سوز و گداز گذارد. قرآن از همان روزهای نخست، با همین شیوه شیوا، سنگدلان عرب را شیفته و شیدای خود نمود، و اندیشه مقاومت و ایستادگی را از آنان ربود. اعراب شگفت زده، در برابر قرآن زانوی تسلیم بر زمین زده و به عجز و ناتوانی خود اعتراف، و اعجاب و تحسین خود را در مقابل قرآن صریحاً ابراز داشتند.»^{۳۱}

استاد شهید مرتضی مطهری در رابطه با موسیقی قرآن می گوید:

«قرآن خود توصیه می کند که او را با آهنگ لطیف و زیبا بخوانند. با همین نوای آسمانی است که قرآن با فطرت الهی انسان سخن می گوید و آنرا تسخیر می کند... قرآن تنها غذای عقل و اندیشه نیست، غذای روح هم هست. قرآن بر موسیقی خاص خودش تأکید زیادی دارد. موسیقی ای که اثرش از هر موسیقی دیگر در بر انگیختن احساسات عمیق و متعالی انسان بیشتر است.»^{۳۲}

مرحوم محمد تقی شریعتی، در مقدمه تفسیر نوین خود در این باره می نویسد:

«اگر ما از معانی الفاظ و کلمات صرف نظر کنیم و آنها را با همان حرکات و سکون و شد و مد و ترفیق و تفخیم و خلاصه با همان وضعی که وقت خواندن قرآن تلفظ می کنیم ادا کنیم، الحان و آوازهایی از آنها به وجود می آید که هیچ موسیقی دان نابغه ای نخواهد توانست آن همه آهنگهای علمی و فنی و دلپذیر از آنها بسازد، با آن که او را آزاد بگذاریم و از او نخواهیم که از آنها الفاظ و کلمات تشکیل دهد. ولی قرآن ضمن آن که آنها را در ضمن جملات پر مغز و سراپا حکمت بکار برده، این آهنگهای گوناگون را به وجود آورده است که هر کس از هر قوم و دارای هر زبانی که

باشد، موسیقی بداند یا نداند از شنیدن قرآن لذتی می برد که از هیچ شعر و نثر دیگر عربی، آن لذت حاصل نمی شود.^{۳۳}

۱۰- نظم قرآن

لسان العرب در تعریف «نظم» دارد: «النظم: التألیف، نظمه ينظمه نظما ونظاما ونظمه فانظم وتنظم. ونظمت اللؤلؤای جمعته فی السلک.»^{۳۴}

نظم عبارت است از: کنار هم چیدن، به رشته کشیدن، پی در پی آوردن، پدیدده، موضوع و یا مطلب و سخن است. به تعبیر دیگر ایجاد ارتباط، چیزی را به چیز دیگر قرین ساختن، ضمیمه نمودن موضوعی در موضوع دیگر و در مسیر هماهنگی قرار دادن.

ارتباط تنگاتنگ اجزاء، سوره ها، آیات و حتی کلمات قرآن کریم به عنوان یک مجموعه واحد، منسجم و هماهنگ، موضوعی است که از دیر باز مورد توجه و عنایت، مفسران و قرآن پژوهان بوده است، و برخی نظم دقیق آیات و سوره های قرآن را دلیل بر اعجاز این کتاب آسمانی دانسته اند. آیت الله محمد هادی معرفت، در این باره نوشته است:

« عامل مهم جذابیت قرآن، در «سبک»، «نظم» و «آهنگ» آن است، این سه عامل، سنگ بنیادین (ساختار سحر انگیز) قرآن را تشکیل می دهند، و این سه عامل، چنان به هم آمیخته و درهم ریخته اند، که نمی توان نقش هریک را در جذابیت قرآن جدا نشانه رفت.»^{۳۵}

مرحوم شیخ طوسی، ذیل آیه ۲۳ از سوره ی بقره، تحدی به مثل را این گونه بیان داشته است: «وقوله: "مثله" أراد به ما یقاربه فی الفصاحة ونظمه وحسن توصیفه وتالیفه لیعلم أنه إذا عجزوا عنه ولم یتمکنوا منه أنه من فعل الله تعالی جعله تصدیقا لنبيه»^{۳۶}

مراد آیه از تحدی به مثل، در بعد فصاحت و نظم آیات و انسجام و هماهنگی آنهاست و کسی قادر نخواهد بود مانند آن را بیاورد و خواهد دریافت که این قرآن کتاب خداست و تصدیق کننده رسالت پیامبر خدا(ص).

۱۱- اعجاز عددی

برخی از قرآن پژوهان معاصر، بعد دیگری از اعجاز قرآن را مطرح نموده اند، این بعد اختصاص به اعجاز عددی قرآن دارد. سه تن از کسانی که در این زمینه گام نهاده اند عبارتند از: دکتر رشاد خلیفه، عبدالرزاق نوفل و ابو زهراء النجدی، کتاب عبدالرزاق نوفل، اعجاز عددی در قرآن کریم نام

دارد. نام کتاب دکتر ابوالزهراء النجدی، که شیعه مذهب است، من الاعجاز البلاغی والعددی للقرآن الکریم است.

تساوی عددی و هماهنگی رقمی و تناسب در موضوعات قرآن کریم چیزی است که قدرت بشری از ذکر آن به گونه ای فراگیر ناتوان است، و از توضیح کامل و بیان شامل آن در می ماند و از این که بتواند حق این معجزه بزرگ را از لحاظ اعداد و ارقام و شرح و تفسیر کاملاً ادا کند ناتوان است، به عنوان نمونه تعدادی از تناسبهای عددی آیات قرآن را بیان می داریم:

واژه «اجر» (مزد) ۱۰۸ بار در قرآن آمده و به همین اندازه واژه «فعل» (کار) آمده است. و جزاء (کیفر - پاداش) ۱۱۷ بار در قرآن به کار رفته و «مغفرت» ۳۳۴ بار، در نتیجه، مزد با کار و حساب با عدل و داد در قرآن برابر آمده است، ولی آموزش دو برابر کیفر به کار رفته است، و این یکی از شگفتیهای تساوی و تناسب و توازن در آیات قرآن است.

کلمه «الباب» به معنی (مغزها - خردها) ۱۶ بار در قرآن آمده است که با کلمه «الافئده» (دلها) برابر است.

واژه «ابلیس» ۱۱ بار آمده و عیناً به همین تعداد، یعنی ۱۱ مرتبه دستور به استعاذه (پناه بردن به خدا) تکرار شده است.^{۳۷}

۱۲- اعجاز هنری

چینش کلمات و انتخاب واژگان به گونه ای هنرمندانه در قرآن کریم به کار برده شده است که اگر واژه و حتی حرفی را جابجا کرده و یا برداریم، آن مفهوم و مقصودی که قرآن کریم برای آن، این الفاظ و کلمات را برگزیده است به دست نخواهد آمد. در قرآن کریم، ذکر داستانها و قصه ها و مثل ها و حتی پیچیده ترین مسایل علمی، به گونه ای جمله بندی و طرح ریزی شده است، که هر خواننده ای گویی خود را در متن داستان و شاهد بر ماجرا می بیند و مجذوب آن می گردد. - بدون تردید، یکی از رازهای جاذبه قرآن کریم، که پرده از اعجاز دیگر آن بر می دارد، جنبه خیال انگیزی و صحنه پردازی و به تصویر کشیدن معانی گوناگون است. این هنر قرآنی، چه در بیان صحنه های طبیعت و چه در تبیین ارزشها و ضد ارزشها و... چنان کار آمد و مؤثر بوده است که بعضی از آن به سحر و افسون قرآن یاد می کند.

سید قطب در کتاب (آفرینش هنری در قرآن) در این باره چنین می گوید:

«قرآن معانی انتزاعی را به مدد تصاویر محسوس و خیال انگیز می نمایاند و باز حالات نفسانی و حوادث محسوس و مناظر مورد نظر را چون نمونه های انسانی و طبایع بشری از طریق

تصویر تفهیم می کند. صورتی را که قرآن ترسیم می کند بزودی زنده و متحرک می شود و معانی ذهنی جان می گیرد و طبیعت بشری مجسم می شود و حوادث و مناظر و سرگذشتها همه مشهود و مرئی می گردند و حالت معنی پیدا می کنند.^{۲۸}

آنچه تا کنون بیان داشتیم، تنها بخشی از اعجاز قرآن کریم از نگاه فرم، قالب، الفاظ و کلمات بود، طبیعی است که از لحاظ محتوا و مفاهیم بیشتر از آنچه گفته شد، دارای اعجاز می باشد. در رابطه با محتوای قرآن کریم، قرآن پژوهان و مفسران، بیش از بیست نمونه اعجاز مفهومی و محتوایی، از قبیل: (اعجاز علمی)، (اخبار غیبی)، (هماهنگی محتوایی) و... را بیان داشته اند، که به دلیل اطاله کلام از ذکر آنها می پرهیزیم.

در پایان، دیدگاه برخی از دانشمندان غیر مسلمان را که درباره قرآن و آورنده آن پیامبر اعظم اسلام(ص) بیان داشته اند، این مقال را حسن ختام می بخشم، به قول معروف، مشک آن است که خود ببوید، نه آنکه عطار گوید. و یا به گفته «الفضل ما شهد به الاعداء»

۱۳- اعتراف به عظمت قرآن و پیامبر(ص)

«نولدکه» دانشمند و خاورشناس مشهور آلمانی و نویسنده کتاب (تاریخ قرآن) در باره این کتاب آسمانی می نویسد:

قرآن با منطق علمی و روش اطمینان بخش و قانع کننده ای که دارد، دل‌های شنوندگان خود را سوی خویش توجه داده و آنها را طرف خطاب قرار می دهد، همواره بر دل‌های کسانی که از دور با آن مخالفت می ورزند تسلط یافته و آنها را به خود می پیوندد. فضیلت قرآن با داشتن سادگی و بلاغت خاص خود به اوج کمال رسیده است. این کتاب توانست از مردمی وحشی و بی تربیت ملتی متمدن ایجاد کند که تعلیم و تربیت دنیای خویش را بر عهده گرفتند.

«گوته» ریاضی دان و شاعر معروف آلمانی، درباره قرآن می گوید:

ما در ابتدا به علت وسوسه کشیشان و مخالفت آنها، از قرآن روی گردان بودیم اما طولی نکشید که این کتاب توجه ما را به خود جلب نموده و ما را دچار حیرت ساخت تا آنجا که در برابر اصول و قوانین علمی و بزرگ آن سر تسلیم فرود آوردیم.

«ژول لاوم» خاورشناس پر اطلاع فرانسوی می نویسد:

تعلیمات و مواعظ قرآن تنها برای سران قوم نبود، بلکه جهانی است... قرآن برای همیشه زنده است و هرکس از مردم جهان بقدر درک و استعداد خود از آن بهره برمی دارند.
«دکتر گوستاولوبون» فرانسوی، در کتاب (تمدن اسلام و عرب) می نویسد:--

مکتب اخلاق قرآن عالی ترین روش فضائل اخلاقی است، قرآن مردم را به صدقه و احسان و عفت و بزرگواری، اعتدال و میانه روی تشویق نموده است.

«تولستوی» نویسنده مشهور روسی در کتابی بنام (حکم محمد) نگاشته است: هر کس که بخواهد سادگی و بی پیرایه بودن اسلام را دریابد، باید قرآن مجید را مورد مطالعه قرار دهد.

«توماس کارلایل» دانشمند و نویسنده معروف انگلیسی می نویسد: هنگامی که ما قرآن مجید را مطالعه می کنیم، می بینیم این کتاب علاوه بر آنکه وحی آسمانی است، از نظر کلمات و ترکیب آنها بلیغ ترین کتاب است. «دوزی» دانشمند هلندی در باره قرآن می گوید:

قرآن کریم مردم را همواره به نیکوکاری امر کرده و انسانهای سرکش را بیم و انذار می نماید. «ادموندبورگ» شخصیت سیاسی انگلستان می گوید: قرآن یا قانون محمدی، قانونی است که شامل تمام طبقات اجتماع گردیده و آنها را به یکدیگر پیوند می دهد، قانونی است که به عالی ترین نظام قضایی و بهترین روش علمی و بزرگترین رسم قانونگذاری ترتیب و تنظیم یافته است.

«پرلامنس» کشیش نامی مسیحی می نویسد: قرآن نه تنها توانست اعراب را سوی اسلام جذب نماید، بلکه ملت‌های مختلف و گوناگونی را مسلمان کرده است.

«بلر» خاورشناس معروف می نویسد: لغت قرآن، فصیح ترین لغات عربی و اسلوب بلاغت آن طوری است که افکار را بسبوی خود جذب می کند.

«ویل درانت» دانشمند مشهور مسیحی درباره پیامبر اسلام (ص) می نویسد: اگر بزرگی را به میزان اثر مرد بزرگ در مردمان بسنجیم باید بگوییم محمد(ص) از بزرگترین بزرگان تاریخ است، وی در صدد بود سطح معنویات و اخلاق قومی را که از گرمای هوا و خشکی صحرا به ظلمات توحش افتاده بودند اوج دهد در این زمینه توفیقی یافت که از همه مصلحان دیگر بیشتر بود، کمتر کسی را جز او می توان یافت که همه آرزوهای خود را محقق کرده باشد او مقصود خود را از راه دین انجام داد زیرا به دین اعتقاد داشت.^{۳۹}

پی نوشت ها:

۱. سوره توبه ، آیه ۳۳
۲. طبرسی، مجمع البیان، ترجمه، ج ۱۱، ص ۷۴
۳. سوره حجر، آیه ۹
۴. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۲۹۳
۵. سوره قمر، آیه ۲۰
۶. آیت الله خوئی، البیان، ص ۳۲، به نقل از درسنامه علوم قرآنی، ص ۳۴۸
۷. سوره رعد، آیه ۲۸
۸. فصلنامه بینات، ص ۱۸۷ و نیز درسنامه علوم قرآنی، ص ۳۱
۹. باقلانی، إعجاز القرآن، ص ۱۰
۱۰. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۲۰
۱۱. کیهان اندیشه، ص ۲۰۲
۱۲. کیهان اندیشه، ش ۱۳۶۸، ص ۲۸، ش ۲۰۲
۱۳. فهرست ابن ندیم، ص ۱۱۱. الغارات، ج ۲، ص ۵۸۱-الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۴۰. الذریعة، آقا بزرگ تهرانی ج، ص ۱
۱۴. قطب الدین الراوندی، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۹۸۱
۱۵. دزفولی، شناخت قرآن، ص ۵۸۷
۱۶. شیخ مفید، أوائل المقالات، ص ۱۶۸
۱۷. دزفولی، شناخت قرآن، ص ۵۹۵
۱۸. طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۰
۱۹. سوره اسراء، آیه ۸۸
۲۰. سوره یونس، آیه ۲۸
۲۱. سوره هود، آیه ۱۳
۲۲. سوره طور، آیه ۲۳ و ۲۴

۲۳. سوره بقره، آیه ۲۳ و ۲۴
۲۴. تاریخ و روش تفسیر در قرآن، به ضمیمه اعجاز قرآن، ص ۲۸
۲۵. درسنامه علوم قرآنی، ص ۲۶۶ (به نقل از مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۸۴)
۲۶. سوره حجر، آیه ۹۴
۲۷. همان مدرک، به نقل از، علوم القرآن عند المفسرین، ج ۲، ص ۴۸۹
۲۸. محمد علوی مقدم، اعجاز بیانی قرآن، کیهان اندیشه (همان)، ص ۶۹
۲۹. شیخ طوسی، التبیان، ج ۵، ص ۳۷۷
۳۰. سید محمد حسین طباطبایی، تاریخ و روش تفسیر در قرآن، ص ۴۶
۳۱. محمد هادی معرفت، نقش آهنگ در تلاوت قرآن، کیهان اندیشه (همان)، ص ۶۰
۳۲. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ص ۹۳
۳۳. محمد تقی شریعتی، تفسیر نوین، ص ۴۹
۳۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۷۸
۳۵. محمد هادی معرفت، نقش آهنگ در تلاوت قرآن، کیهان اندیشه (همان)، ص ۶۴
۳۶. شیخ طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۱۰۴
۳۷. مصطفی اسرار، دانستیهای قرآن، ص ۸۶
۳۸. سید قطب، آفرینش هنری در قرآن، ص ۴۴
۳۹. این بخش از مقدمه تفسیر نوین و کتاب تاریخ و علوم قرآنی، استفاده شده است